صفحات ۶۵ - ۷۰
نشریه‌هنرهای‌زیبا- هنرهای تجسمی • شماره۴۹ • بهار ۱۳۹۱

شناخت مولفه های پست مدرنیستی در مجسمه های جُرج سگال

عباس اکبری*[۱]، شهلا خسروی فر[۲]
[۱] استادیار دانشکده ی معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۱۳)

چکیده

در آثار بعضی از مجسمه سازان معاصر، به مولفه هایی بر می خوریم که بسیاری از منتقدان و صاحب نظران دنیای هنر آنها را به عنوان مشخصه های جنبش پست مدرنیسم می شناسند. مولفه هایی همچون تکثرگرایی برای نمایش بی‌حد و مرز قومیت‌ها و ملیت ها، گرایش به واقعیت و به ویژه واقعیت‌های اجتماعی، قالب گیری از پیکره‌ی انسان برای نزدیکی هرچه بیشتر به واقعیت، نمایش آثار در محیط و مکان های عمومی به دور از موزه ها و گالری های هنری برای ارتباط بیشتر و بهتر با مخاطب و درک بهتر مفهوم و ایده ی اثر و... . یکی از این مجسمه سازان جرج سگال است. ظهور این مولفه ها در آثار سگال نه تنها جایگاه وی را به عنوان یکی از آغازگران جریان پست مدرنیسم در مجسمه سازی تثبیت کردند، بلکه به گونه ای او را در خلق آثاری شاخص برای بیان ایده ها و مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... مد نظرش یاری رساندند. این مقاله سعی دارد، با شناخت این مولفه ها در شیوه ها، ایده ها و زمینه های نمایش آثار وی به معرفی سهم و جایگاه این هنرمند به عنوان یکی از هنرمندان آغازگر جریان پست مدرنیسم در مجسمه سازی معاصر بپردازد.

واژه های کلیدی

جُرج سگال، مجسمه سازی، مولفه های پست مدرنیستی، پست مدرن.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۱۷۲۷۳۳۹، نمابر: ۶۶۰۳۸۴۲۶-۰۲۱، E-mail: abbas_a_uk@yahoo.com.

مقدمه

با شروع دهه ی ۱۹۶۰، جنبش مدرن که در دهه های آغازین قرن بیستم در اوج خود بود، همچون آکادمیسم سنتی که اعتبار و ارزش خود را توسط جریان مدرنیسم به دلایلی چون فرسودگی نگاه، عدم همزمانی و تطبیق با زمان و نیازهای روزمره ی جامعه از دست داده بود، از این جریان گذار مصون نماند. در حقیقت از حدود دهه ی ۱۹۶۰، جنبش پست مدرنیسم که همانگونه که از نامش پیداست در پی برگذشتن از مدرنیته و مدرنیسم بود، مطرح شد.

بخش بزرگی از این تحولات در آمریکا، که به نوعی مرکزیت هنری را در این دهه به دست داشت، به وقوع پیوست. این جنبش تکان دهنده ی دنیای هنر برای نخستین بار در معماری رخ نشان داد و سپس به دیگر سبک ها و شیوه های هنری راه یافت. از این جا بود که با رویکرد ضد فرم خود مقولات بنیان شکن قابل ملاحظه ای نظیر کثرت بی سابقه ی سبک ها و فرم ها، مواد مصرفی، تولید آثار هنری، از آن خودسازی، گرایش به واقعیت و... را به دنیای هنر مدرن که فرم گرایی محض، وحدت گرایی، گرایش به انتزاع، نخبه گرایی و تولید اثر شاخص هنری را از ارزش های والای خود می دانست، عرضه کرد.

مجسمه سازی نیز از این تحولات مصون نمانده، و در برخی زمینه ها تابع بسیاری از شاخصه های پست مدرنیستی است. حتی در بسیاری زمینه ها، در بکارگیری شاخصه های پست مدرنیسم از دیگر شیوه های تجسمی پیشی می گیرد؛ به طوری که در آثار بسیاری از هنرمندان مجسمه ساز برآمده از این جریان همچون جُرج سگال[۱]، کلاوس اُلدنبرگ[۲]، دوان هانسون[۳]، ادواردکینولز[۴] و آنتونی گورملی[۵] این مولفه ها به روشنی قابل تشخیص اند.

این مقاله سعی دارد به روش تحلیلی توصیفی و با گردآوری اطلاعاتِ مبتنی بر روش کتابخانه ای به بررسی آثار یکی از هنرمندان شاخص این جریان همچون جُرج سگال و معرفی هرچه بیشتر و بهتر این مولفه ها و همچنین جایگاه سگال در هنر مجسمه سازی پست مدرن بپردازد.

۱- نگاهی مختصر به تحولات هنر مجسمه سازی در عصر پست مدرن

با آغاز دوره ی پست مدرن هنر مجسمه سازی ضمن توجه به امکانات برآمده از این دوره توانست رویکردهای جدیدی از مجسمه سازی را مطرح نماید. یکی از این مهم ترین ویژگی‌ها را می توان به واسطه ی در اختیار گرفتن مواد و تکنولوژی جدید دانست. به سبب آن که از میان انواع هنرهای تجسمی، مجسمه سازی ارتباط تنگاتنگی با ماده و شیوه ی ساخت دارد، به خوبی توانست از فن آوری های جدید برای بیان ویژگی‌های مجسمه‌سازی پست مدرنیستی استفاده نماید. بدین ترتیب دستاوردهای جدید فنی شرایط تحقق مجسمه به مثابه ایده را از نظر فنی ممکن ساخت.

نگاهی به آثار مجسمه سازانی نظیر آنیش کاپور[۶]، آنتونی گورملی و... به خوبی این مسئله را روشن می نماید. اختصاصاً در زمینه ی مجسمه سازی فیگوراتیو دوره ی پست مدرن، آثار آنتونی گورملی مثال خوبی است از تکثر ساخت مجسمه ی فیگور انسان به واسطه ی در اختیار داشتن فن آوری های جدید در دوره ی پست مدرن. آثاری نظیر فرشته ی شمال، مرد زباله ای یا پیکره های قالب گیری شده ی این هنرمند مصادیقی از این دست است. حتی می توان گفت این شرایط موجب بازنگری در به کارگیری مواد سنتی مجسمه سازی نظیر گل رس نزد مجسمه سازان پست مدرن شد.

در این زمینه نیز اثر دشت آسیایی گورملی مثال قابل توجهی است از بیرون کشیدن ظرفیت های تجسمی، برای مجسمه‌سازی معاصر از یک ماده کاملاً سنتی که کمتر در مجسمه سازی دوره‌ی مدرنیست نیز ظرفیت های تجسمی آن شناخته شد. بدین ترتیب حتی می توان با مطالعه ی دقیق آثار مجسمه سازانی نظیر گورملی نیز غالب ویژگی های مجسمه سازی پست مدرنیستی را در قیاس با آثار سگال باز شناخت؛ مولفه هایی نظیر تکثرگرایی، قالب گیری از مدل زنده، استفاده از ظرفیت های تجسمی مواد جدید و قدیمی نمایش در مکان های عمومی و... .

البته باید متذکر شد در آثار بعضی از مجسمه سازان پست مدرن که موضوع آثار آنها فیگور نمی باشد بعضی از شاخصه‌های مجسمه سازی پست مدرن پر رنگ تر است. برای مثال آثار آنیش کاپور از بهترین مصادیق استفاده از فن آوری های جدید برای نمایش مجسمه در فضاهای عمومی است. در مجموع باید یادآور شد مجسمه سازان پست مدرنیست چه آنها که موضوع آثارشان فیگور است و چه آنها که موضوعات دیگری دارند دارای مجسمه هایی با زبانی مشترک بر اساس مولفه های هنر پست مدرنیست هستند که به رغم تنوع ریخت شناسی آنها با یک زبان قابل تحلیل اند.

۲- جرج سگال و برخی شاخصه های کلی آثار او

جُرج سگال از هنرمندان شاخصِ جنبش پاپ آرت آمریکایی بود که در آثار خود، صحنه هاییِ از زندگی عادی مردم زمان

خود را در موقعیت هایی منجمد و بی حرکت به تصویر می‌کشید. «مجسمه های محیطی[۷] جرج سگال از برخی جهات تابلوهای زنده ای را به یاد می آورند که زمانی در شهربازی و بازارهای سالانه طرفداران زیادی داشتند. این تابلوها اشخاص را در موقعیت های روزمره نشان می دادند...، حال آن سگال پیکره هایش را همچون ساخته گزیده ای از واقعیت اقتباس می کند» (بُکولا،۱۳۸۷، ۳۹۹).

ماده ی اصلی به کار گرفته شده در خلق آثار وی نوعی بانداژهای گچی با استفاده از تکنیک قالب گیری است. رنگ غالبِ اغلب آثار سگال رنگ سفید است. انتخاب رنگ سفید در آثار وی شاید بی دلیل نباشد؛ سگال هنرمندی است مردمی که هنرش به گونه ای، بازتابی از تحولات جامعه ی پیرامونش بود. هنر او همچون بسیاری از دیگر هنرمندان معاصرش برگرفته از متن جامعه و همچون ابزاری برای بیان دغدغه ها و مشکلاتی بود که جامعه ی معاصر و قوانین تکنولوژی مدرن بر انسان این عصر تحمیل می‌کرد(تصاویر۱و۲).

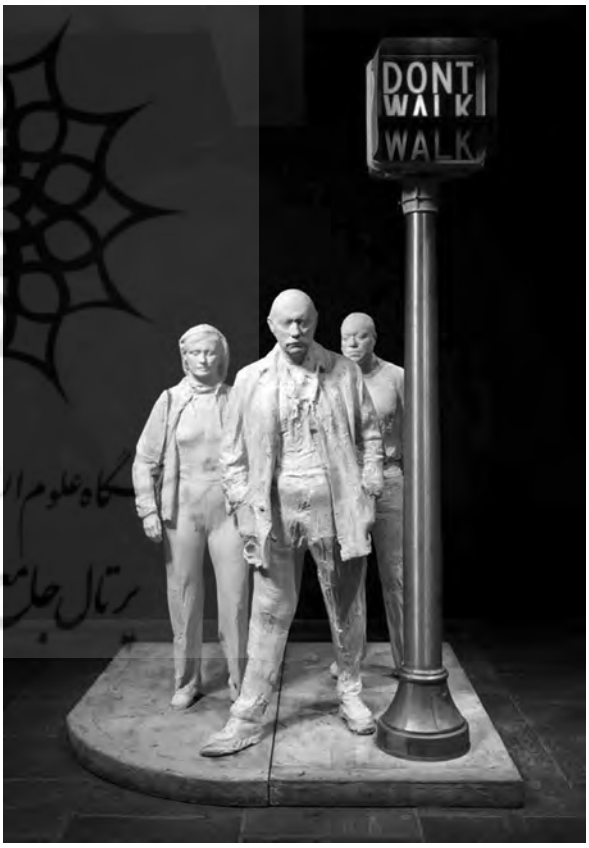

تصویر۱- راه برو، راه نرو، ۱۹۷۶، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.all-art.org)

شاید از این روست که اغلب آثار ساخت او، پیکره های انسانی سفید رنگ و منجمدی هستند که بیشتر اشباح انسانی را به ذهن متبادر می سازد تا خود انسان را؛ اشاره ای به آنچه که زندگی در دنیای مدرن و تحولات لحظه به لحظه ی آن از انسان عصر حاضر ساخته است. این استفاده ی هوشمندانه از رنگ سفید در

تصویر۲- سینما، ۱۹۶۳، قالب گیری گچی.
ماخذ: (www.all-art.org)

آثار سگال با مصادیق و باورهای بسیاری از جوامع، در ارتباط با این رنگ نیز سازگار است.«در تفکر نمادین، مرگ پیش از زندگی می آید، تمامی تولدها، یک باززایش است. بر این مبنا، سفید در ابتدا رنگ مرگ و سوگواری است. این باور همچنان در مشرق وجود دارد و برای مدت های طولانی در اروپا هم وجود داشته، ... سفید رنگ کفن، رنگ تمام اشباح، رنگ روح اموات و رنگ پیدایش موجودات نامرئی است» (شوالیه وگربران،۱۳۸۲، ۵۹).

جایگاه سگال در این میان همچون ناقدی اجتماعی است که سعی دارد مشکلات، کاستی ها و معضلات دنیای پیرامونش را، از پس پرده های روزمرگی آشکار سازد تا همچون تلنگری بر وجدان جوامع انسانی معاصر باشد و آنان را به رفع این مقولات رهنمون سازد. دیگر شاخصه ی آثار سگال استفاده از پیکره های انسانی است، به گونه ای که موضوع اصلی آثار او بر محوریت انسان، زندگی و روابط انسانی و اجتماعی او استوار است.

۳- شناخت مولفه های پست مدرنیستی در آثار جُرج سگال

در آثار جُرج سگال علاوه برشاخصه های کلی که به آنها اشاره رفت و معرف شیوه کار و آثار وی هستند، به مولفه‌هایی برمی خوریم که بسیاری از منتقدان و صاحب نظران آنها را برگرفته از جریان جنبش پست مدرن می دانند. این شاخصه ها عبارتند از:

۳-۱- واقع گرایی[۸]

این گرایش از دیرباز در بسیاری از هنرها رایج و مطرح بوده است. اما با شروع قرن بیستم و آغاز جنبش مدرن، هنر مدرن می کوشد تا از آن دوری جوید (آشنایی زدایی یا بیگانه‌سازی) «طبیعت به روشی تاریخی الگوی هنر شده است. هنر مدرن با انکار تقلید، رونویسی و بازسازی، این نکته را آشکار کرده است. هنر مدرن نشان می دهد که برخلاف برداشت عامیانه، اساس هنر عدم این همانی است... هنر مدرن بیانگر و مقلد نیست، این همانی را ثابت نمی کند و از مفهوم سازی به دور است» (احمدی،۱۳۷٤، ۲۲).

پس در نهایت برخلاف گذشته، هنر مدرن بر انتزاع تأکید می ورزد، تا اثری یکتا و نو خلق کند. در اواسط قرن بیستم و با شروع جنبش پاپ این واقع گرایی دوباره، به گونه ای راه خود را در خلق آثار هنری باز می کند. این گرایش به نمایش واقعیت در آثار سگال نیز همچون دیگر معاصرانش به چشم می خورد.«سگال علایق رو به رشدی در نمایش واقعیت، با استفاده از بکارگیری اشیاء و رویدادهایی که در دنیای واقعی و در خارج از هنر موجود بودند، داشت... شیوه ای از ترکیب اشیاء قالب گیری شده در درون یک فضای واقعی و در عین حال هنری که پیش از این در آثار جاسپر جونز[۹] و رابرت راشنبرگ[۱۰] ظهور یافته بود ... اما سگال در این زمینه گامی فراتر نهاد» (Tuchman, 1983,12).

این گرایش به نمایش واقعیت در مجسمه سازی، در نهایت با شروع جریان هایپررئالیسم[۱۱] در دهه ی ۱۹۷۰ به اوج خود می رسد. «در مجسمه سازی هایپر رئالیسمی، حتی آن محدودیت های ترجمان شیء سه بعدی نیز وجود نداشت و مجسمه ساز می توانست اثرش را همانند واقعیت جلوه دهد. این مجسمه سازان در واقع وارثان و پیروان مجسمه سازانی همچون جُرج سگال بودند» (قره باغی،۱۳۸۰، ٦۲ و٦۳).

۳-۲- قالب گیری از مدل زنده

این تکنیک از مولفه های بسیار مهم به کار رفته در آثار مجسمه سازان پست مدرنیسم، در جهت هرچه نزدیک تر شدن مجسمه ها به بدن واقعی انسان است. این شیوه در مقابل جریان انتزاع گرای مدرنیستی به ویژه در نمایش پیکره انسان، و در پی جریان واقع گرایی و همچنین پیوند هنر و زندگی در نیمه ی دوم قرن بیستم حضور گسترده ای در مجسمه سازی یافت. هرچند که شروع استفاده از این شیوه در خلق مجسمه ها به طور جدی مربوط به دوره ی پست مدرنیسم است، اما مطالعه‌ی تاریخ مجسمه‌سازی مدرن نشان می دهد، دست کم مجادله‌هایی در خصوص استفاده از شیوه‌ی قالب گیری در مجسمه سازی وجود داشته است برای مثال: «در سال ۱۸۷۷، رودن[۱۲] عصر مفرغ را به نمایش گذاشت،... رئالیسم آن در قیاس با پیکره هایی برهنه و آرمانی که در آن زمان خوشایند مردم بودند، خشم منتقدان را برانگیخت، و متهمش کردند تندیس را از موجودی زنده قالب ریخته است» (هارت،۱۳۸۲، ۹۲٦).

این مجادله نشان می دهد که احتمالاً برخی از مجسمه‌سازان مدرن نیز با وجود ممنوعیت و محدودیت در به کارگیری این شیوه، به آن همچون شیوه ای به منظور ساخت یک مجسمه توجه داشته اند، هرچند اختصاصاً در مورد رودن این گونه نبوده است. در هنر پست مدرنیسم اما، شاهد استفاده‌ی بدون مانع و گسترده ی این شیوه برای تولید و تکثیر آثار و همچنین همچون ابزاری، برای بیان اندیشه ها و ایده های هنرمندان هستیم.

در این راستا سگال نه تنها مجسمه هایش را از پیش طراحی نمی کند، بلکه از مدل های زنده در حالت های مدنظر خود و با استفاده از بانداژ های گچی قالب می گیرد. «بدین منظور، بدن آنها را با نوارهای آغشته به گچ خیس می پوشاند، سپس پوسته ی گچی سخت شده را قطعه قطعه می برد و از بدن مدل ها جدا می کند و از به هم پیوستن آنها پیکره ی کامل را می‌سازد» (بُکولا،۱۳۷۸، ۳۹۹). نتیجه ی این عمل سگال قالبی بیرونی از انسان بدون نمایش جزئیات چه در اندام و چه در چهره ی پیکره ها بود.«در سال ۱۹۷٦ سگال شیوه ی قالب گیری را به گونه ای دیگر، با استفاده از برنز برای خلق چیدمان های بیرونی خود به کار می گیرد» (Janis&Segal, 2003,10). در این شیوه نیز سگال پس از اتمام مجسمه ها آنها را به رنگ سفید در می آورد و یا در برخی موارد رنگ آنها را حفظ می کرد (تصاویر۳و٤).

تصویر۳- در عبور از خیابان، ۱۹۹۲، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.en.wikipedia.org)

۳-۳- کثرت گرایی[۱۳]

تکثرگرایی از شاخصه های بسیار مهم پست مدرنیسم است، که با تأکید بر چندگانگی فرهنگ ها، قومیت ها، نژادها، جنسیت، حقیقت، تعداد و حتی خرد؛ به مقابله با اصل وحدت گرایی و ناب‌گرایی در مدرنیسم پرداخت.

«به طور کلی واژه ی پلورالیسم بیشتر در مواردی استفاده می‌شود که بخواهد مشخص کننده ی عدم برتری یک گروه

تصویر۴- افسردگی صف نان، ۱۹۹۱، برنز قالب گیری شده.
ماخذ: (www.segalfoundation.org)

سیاسی یا یک ایدئولوژی خاص باشد و بر عدم ارجحیت قوم، قبیله و یا فرهنگی خاص اشاره کند» (قره باغی،۱۳۸۰، ۲۲٤). در آثار جُرج سگال این مولفه ی پست مدرنیستی، خود را با چهره‌های بی صورت و تعدد پیکره ها نشان می دهد. مخلوقاتی مبهم، بی‌نام و بی آلایش، بدون کوچک ترین اشاره به شخصیتی خاص به‌گونه ای که خود سگال می گوید: «ابهام چهره ی پیکره‌ها برای یادآوری و اشاره به رنگ سفید آنها نیست. بلکه برای آن است که هیچ طبقه ی خاص یا برتری نژادی را نشان ندهند. برای من این پیکره ها می توانند پیش زمینه های نژادی و قومی بسیاری باشند» (C.Seitz, 1972,20).

۳-٤- نمایش در مکان های عمومی

سگال اغلب آثار خود را که به نوعی می توان برخی از آنها را چیدمان های بیرونی[۱٤] به شمار آورد، در مکان های عمومی و موقعیت های واقعی نظیر ایستگاه اتوبوس، رستوران، آسانسور، باجه ی بلیط فروشی، پارک ها و... قرار می داد.[۱۵] «سگال پیکره‌های گچی بی نام و نشان خود را در محیط های واقعی قرار می داد، به گونه ای که این احساس را به بیننده ارائه می دادند که گویا در حال انجام کار و تجارت روزانه ی خود، مبدل به سنگ شده اند» (Rurberg, 1998,805).

بهره گیری از مکان های عمومی به جای موزه ها و گالری‌های برای نمایش آثار، شیوه ای بود که بسیاری از هنرمندان پست مدرنیسم برای تأکید و تشدید جنبه ی واقعی آثارشان و همچنین فراهم کردن نوعی ارتباط نزدیک با مخاطب آن را برگزیدند. «هنرمندان، برای شکل های ابداعی خود، در آن محیط‌ها فضای مناسب تر و تماشاگران پذیراتری می یافتند، تا در تالارهای نمایش سنتی» (میّه،۱۳۸۹، ۱۵۵).

پیکره های سگال در این محیط ها به گونه ای نصب می شدند که ناظران به راحتی قادر به حرکت در میان آنها و حتی نشستن در کنارشان بودند، این شرایط به آنها کمک می کرد تا ایده و احساس هنرمند در نمایش موقعیت انسان معاصر، تنهایی، انزوا و شکنندگی اش در زندگی و دنیای مدرن را بهتر دریابند و درک

تصویر۵- شام،۱۹۶۴، قالب گیری گچی.
ماخذ: (آرچر، ۱۳۸۸، ۲۳)

تصویر۶- سه پیکره و چهار صندلی،۱۹۷۹ ، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.neworleanspast.com)

کنند (تصاویر ۵ و ٦).

آنچه که تاکنون گفته شد بیانگر نمونه هایی از استفاده‌ی هوشمندانه‌ی هنرمندان پست مدرنیسم از قابلیت های به دست آمده از این جنبش اجتماعی- هنری به منظور بیان اندیشه‌ها، مفاهیم و ایده های مدنظر آنهاست.

جرج سگال نیز به عنوان یکی از هنرمندان پایه گذار و مطرح این جنبش، با بهره گیری شایسته‌ی این مولفه ها به شیوه ای منحصر به فرد و در آثاری صرفاً فیگوراتیو؛ بدون شک در تلاش برای بیان هرچه بهتر ایده ها و دغدغه های خود بوده است. آنچه که به نوعی آثار وی را از دیگر هنرمندان هم عصر او متمایز ساخته است. در حقیقت چهره ای جدید از مهم ترین موضوعات مجسمه سازی یعنی پیکره ی انسان در مجسمه سازی معاصر است که همواره ذیل نام او قابل شناسایی است.

نتیجه

از حدود نیمه‌ی دوم قرن بیستم جنبشی آغاز می شود که، بنیان تمامی تلقی های هنری دهه های اول را به چالش می‌کشد. مجسمه سازی نیز به عنوان هنری مستقل به این جریان می‌پیوندد. ردپای این پیوند در آثار بسیاری از هنرمندان این دوره همچون جرج سگال به خوبی به چشم می خورد. ظهور مولفه‌هایی همچون کثرت گرایی، واقع گرایی، قالب گیری از مدل زنده و نمایش پیکره‌ها در مکان های عمومی و در فاصله‌ای بسیار نزدیک از مخاطب، سگال را برای بیان ایده و محتوا که آن را بر هر چیز دیگر مقدم می شمرد، یاری می کنند. ایده ها و اندیشه‌هایی برگرفته از موقعیت انسان امروزی در جامعه‌ی مدرن اشباحی افسرده ظاهر که در پی انسانیت از دست رفته ی خود هستند. از بررسی آنچه که پیش از این گفته شد می توان نتیجه گرفت که تأثیر تفکرات و شرایط حاکم بر یک جامعه و همچنین جنبش های فرهنگی و اجتماعی بر هنرمند و اثرش گریز ناپذیر است. جُرج سگال نیز به عنوان یکی از هنرمندان مردمی، متأثر از تأثیرگذارترین واقعه‌ی زمان خود یعنی جنبش پست مدرن به خلق آثاری پرداخته است. این آثار نام سگال را به عنوان یکی از هنرمندان پیشرو، که سهم و جایگاه بسیار مهمی در شکل گیری این جنبش در هنر مجسمه‌سازی معاصر داشته، در تاریخ هنر ثبت کرده اند.

پی نوشت ها

۱ George Segal (1924-2000)، در نیویورک متولد شد. آثار دوره‌ی کاری حرفه ای او نه تنها مجسمه بلکه نقاشی های انتزاعی، حجاری از پیکره‌ی انسان، مجسمه های بر مبنای نقاشی های طبیعت بی جان، مجسمه های گچی، پرتره‌های بی‌نهایت بزرگ و برداشت های آزاد از نقاشی کوبیستی را شامل می‌شود(www.segalfoundation.org). از هنرمندان مجسمه‌ساز معاصر وی می‌توان کلاوس اُلدنبرگ و ادوارد کینولز را نام برد.

2 Claes Oldenburg (1929-).

3 Duan Hanson (1925-1996).

4 Edward Kienholz (1927-1994).

5 Antony Gormley (1950-).

6 Anish Kapoor (1957-).

۷ Enviroment Sculptures، مجسمه ها و اشیای قرار گرفته در یک فضای معین که بیننده می تواند به درون آنها داخل شود.

8 Realism.

9 Jasper Johan (1930-).

10 Robert Rouschenburg (1925-).

۱۱ Hyperrealistm یا سوپررئالیسم که گاهی فتورئالیسم نیز نامیده‌می‌شود.

۱۲ Aguste Rodin (1840-1917)، از مجسمه سازان بزرگ و تأثیرگذار غرب، اهمیت رودن در مجسمه سازی همانند اهمیت امپرسیونیسم ها در نقاشی اروپایی است(پاکباز، ۱۳۷۸، ۲۵).

13 Pluralism.

14 Out door Installation.

۱۵ به کارگیری این شیوه در نمایش اثر، البته در اثر شهروندان کاله ی رودن هم به چشم می خورد. در این اثر رودن با حذف پایه ی پیکره، بهترین جایگاه قرارگیری اثرش را سنگفرش خیابان می داند، تا بیننده به بی واسطه ترین نحو، درگیر تنش های عاطفی و جسمانی اثر شود.

فهرست منابع

آرچر، مایکل (۱۳۸۸)، هنر بعد از ۱۹۶۰، ترجمه ی کتایون یوسفی، انتشارات حرفه

هنرمند، تهران.

احمدی، بابک (۱۳۷٤)، حقیقت و زیبایی، انتشارات مرکز، تهران.

بُکولا، ساندرو (۱۳۸۷)، هنرمدرنیسم، ترجمه ی رویین پاکباز، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره المعارف هنر، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.

شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه ی سودابه فضایلی، انتشارات جیحون، تهران.

قره باغی، علی اصغر (۱۳۸۰)، تبارشناسی پست مدرنیسم، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.

میّه، کاترین (۱۳۸۹)، هنر معاصر تاریخ و جغرافیا، ترجمه ی مهشید نونهالی، انتشارات مؤسسه ی فرهنگی و پژوهشی نظر، تهران.

هارت، فردریک (۱۳۸۲)، سی و دو هزار سال تاریخ هنر، ویراستار هرمز ریاحی، انتشارات پیکان، تهران.

C.Seitz,William (1972), *George Segal,* Thamas & Hudson, London.

Rurberg (1998), Art Of The 20th Century, *Spain: Taschen*, Vol1.

Segal,George& Carroll Janis (2003),*George Segal: Bronze*, New York: Mitchell-Innes &Nash.

Tuchman, Phyllis (1983), *George Sega*l, New York: Cross River Press.

www.all-art.org

www.en.wikipedia.org

www.neworleanspast.com

www.segalfoundation.org